خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۲۹ فروردین ۱۳۹۶ . ۲۰ رجب ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۵۱۳

امامقلی خان
سردار دلاور ایران

امامقلی خان، سردار نامدار سپاه ایران در دوره شاه عباس صفوی و حاکم فارس بود. او فرماندهی نیروهای ایرانی را برای حمله به پرتغالی های مستقر در جزایر قشم و هرمز، برعهده داشت و توانست با اقدامی ضربتی، متجاوزان را از خاک ایران بیرون کند. امامقلی خان، سرانجام در سال ۱۰۱۲ هـ.ش، بر اثر سوءظن شاه صفی صفوی و به دستور او، به قتل رسید.

بازیگران تاریخ

تیمورتاش؛ وزیر دربار که جاسوس از آب درآمد

عبدالحسین تیمورتاش در سال ۱۲۵۸ (هـ.ش)، در یک خانواده اشرافی در خراسان به دنیا آمد. در کودکی، به روسیه فرستاده شد؛ مدتی در عشق آباد و سپس در مدرسه نظامی پترزبورگ، که ویژه فرزندان اشراف بود، به تحصیل پرداخت. تأثیر این دوران در شکل گیری شخصیت او چشمگیر بود، تا حدّی که به گفته دکتر قاسم غنی، «تربیت ملّی» نداشت.

تیمورتاش پس از بازگشت به ایران، به سرعت مدارج ترقی را پیمود. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، او در سال ۱۳۲۷ (هـ.ق)، نماینده خراسان در دوره دوم مجلس و در سال ۱۲۹۷ (هـ.ش)، حاکم گیلان شد. تیمورتاش در سال ۱۳۰۰ (هـ.ش)، در کابینه سوم مشیرالدوله (حسن پیرنیا)، به مقام وزارت عدلیه و در سال ۱۳۰۲، به حکومت کرمان رسید. وی در کابینه سوم و چهارم رضاخان (۱۳۰۴-۱۳۰۳ هـ.ش)، وزیر فوائد عامه بود و پس از جلوس رضاخان به سلطنت، از ۱۳۰۴، وزیر دربار پهلوی اول شد.

■ دستگیری تیمورتاش

به دستور رضاخان، تیمورتاش را در ۳ دی ۱۳۱۱ دستگیر کردند و در ۹ مهر ۱۳۱۲، در زندان قصر، به طرز فجیعی به قتل رساندند. چنان که از خاطرات فردوست، دکتر غنی، هدایت، فرخ و دیگران بر می آید، خصوصیات اخلاقی تیمورتاش عامل اصلی ایجاد رابطه او با شوروی بوده و در این میان، زنبارگی وی نقش مهمی در این مسئله داشته است. «آقابکوف»، رئیس سرویس اطلاعاتی شوروی در ایران، در خاطرات خود می نویسد: «تیمورتاش مرد مقتدری است و در ایران هیچ کس از حیث اقتدار به پای او نمی رسد.

مشارالیه در شاه ایران خیلی نفوذ دارد و می تواند در مواقع لزوم، نظر پادشاه ایران را به کلی تغییر دهد و منافع شوروی را تامین کند. روابط من و تیمورتاش به اندازه ای حسنه است که بدون نظر من، عملی را انجام نمی دهد. من تا کنون خدمتگزاری صدیق و بی باک تر از این شخص ندیده ام و معتقدم او تنها کسی است که در ایران می تواند کلیه نظریات سیاسی و اقتصادی شوروی را تأمین کند.»

■ افشای فعالیت های جاسوسی

ظاهراً، از سال ۱۹۲۷ م، با فرار «باژانوف»، افسر اطلاعاتی شوروی به غرب، سرویس اطلاعاتی انگلیس از ارتباط تیمورتاش با «گ. پ. او» مطلع شده بود. با این حال، انگلیسی ها در انتقال این موضوع به رضاخان عجله نکردند و پس از ۵ سال، مسئله ارتباط تیمورتاش با سرویس اطلاعاتی شوروی را برملا کردند. انگلیسی ها طی این مدت طولانی، تیمورتاش را هدف عملیات پیچیده اطلاعاتی خود قرار داده بودند.

ناگفته ترین دلاورمردی های ایرانیان طی ۲۵ قرن

چو ایران نباشد، تن من مباد

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

پاسداری از مرزها و تمامیت ارضی کشور، کاری مقدس است؛ کاری که انجام دادن آن، جز در پرتو ایمان به خدا و عشق به میهن، شدنی نیست. ایرانیان، طی هزاران سال تاریخ پرفراز و نشیب خود، شاهد هجوم بیگانگان، برای از بین بردن استقلال و اشغال سرزمینشان بوده اند؛ اما دفاع جانانه جوانان سلحشور این مرز و بوم، دشمن را به عقب نشینی وادار و صفحات زرین فراوانی را در تاریخ پرافتخار ایران ثبت کرده است. در ایران، شغل سربازی، به دلیل نقش اساسی آن در دفاع از کشور، همیشه از احترام و قداست ویژه ای برخوردار بوده است. ایرانیان، سرداران و سربازان سلحشورشان را با بلندترین تعابیر ستوده اند و شهادت را در صحنه نبرد با دشمن متجاوز، برترین فیض و پاداشی دانسته اند که نصیب رادمردان عرصه دفاع از میهن می شود. یادآوری حماسه هایی که سربازان شجاع ایران زمین، در صحنه مبارزه با دشمن آفریده اند، به نوعی، پاسداشت و گرامیداشت یاد و خاطره مردانی است که جان بر سر دفاع از عزت و شرف مردمشان گذاشتند و با نثار خون پاکشان، پرچم پرافتخار ایران را، همواره در اهتزاز نگه داشتند.

■ دفاع ایرانی در «دربند پارس»

نبرد با سپاه «اسکندر مقدونی» در «گوگمل»، پایانی تلخ برای ایرانیان داشت. با فرار «داریوش سوم»، آخرین پادشاه هخامنشی از میدان، شیرازه امور از هم گسست و لشکر اسکندر توانست صفوف منظم سپاه ایران را در هم بشکند. این شکست مقدمه ای برای اشغال ایران بود. «اسکندر» گمان می کرد با غلبه بر «داریوش سوم» می تواند بدون مانعی جدی تا پارس پیشروی و «تخت جمشید» را اشغال کند؛ اما وقتی به «دربند پارس» رسید، به اشتباه خود پی برد. ۲۵ هزار سرباز ایرانی سدی محکم میان «اسکندر» و سرزمین پارس ایجاد کرده بودند. فرماندهی این سربازان را افسری جوان به نام «آریوبرزن» برعهده داشت. مدافعان «دربند پارس» با بی باکی، سربازان مقدونی را آماج حملات خود قرار دادند. «اسکندر» فرمان پیشروی داد، اما مقاومت و دفاع ایرانیان، آن قدر شدید بود که سربازان او، راهی برای پیشروی نداشتند. «کالیستنس» مورخ یونانی دربار «اسکندر» می نویسد: «اگر چنین مقاومتی در نبرد گوگمل در برابر ما صورت گرفته بود، شکستمان قطعی بود.» «اسکندر» چاره ای جز عقب نشینی نداشت. او در پی یافتن راهی برای دور زدن مدافعان ایرانی بود که اسیری اهل «لیکیه» را نزد او آوردند که کوهستان های پارس را می شناخت. «اسکندر» با راهنمایی او، نیروهای خود را از راه های مخفی، به پشت مدافعان ایرانی رساند. ایرانیان که خود را در محاصره دشمن می دیدند، حاضر به تسلیم نشدند. «آریوبرزن» که پیشاپیش مدافعان ایرانی قرار داشت، با ۴۰ سوار و هزار سرباز پیاده، به قلب لشکر «اسکندر» تاخت. سردار ایرانی و سربازانش تلاش می کردند راهی از میان لشکر انبوه «اسکندر» باز کنند و خود را به «تخت جمشید» برسانند، اما راه از هر طرف بسته بود. «آریوبرزن» و یارانش، تا آخرین قطره خون مقاومت کردند و ننگ تسلیم را به جان نخریدند.

■ ضرب شست ایرانی در «حزان»

«کراسوس»، سردار بی پروا و جسور رومی، برای آن که مجموعه افتخاراتش را تکمیل و قدرت خود را به اشراف و سناتورهای رومی دیکته کند، به پیروزی در بین النهرین نیاز داشت. اما سواران سلحشور ایرانی، سدی مستحکم در برابر هجوم رومیان به شرق فرات ایجاد کرده بودند. به همین دلیل، «کراسوس»، ۳۰۰ هزار لژیون ورزیده رومی را همراه خود به سوریه آورد. تصور او این بود که ایرانیان، استاد جنگ های پارتیزانی هستند و در مصاف کلاسیک، مغلوب توانایی های رومیان خواهند شد. اما وقتی با ۷۰ هزار سوار ایرانی که مجهز به کمان های بلند بودند، روبه رو شد، دیدگاه هایش در این زمینه، به شکلی اساسی تغییر کرد. سربازان سوارکار و شجاع ایران، چون توفانی سهمگین بر متجاوزان حمله ور شدند. تیرهای بلند سواران پارتی، رومیان را زمین گیر کرد؛ تیرهای بلندی که از زره های رومی می گذشت و سینه و پشت سربازان متجاوز را می شکافت. فرماندهان لژیون های رومی بر سر سربازانشان فریاد می زدند که پیشروی کنند. نیروهای پیاده، با آرایش سپرهای بلند، به سمت نیروهای ایرانی حرکت کردند، اما تیرهای ایرانی از سپرهای رومی هم می گذشت و پای سربازان آموزش دیده دشمن را به زمین می دوخت. مهارت ایرانیان در سوارکاری، موجب شگفتی سربازان رومی شده بود؛ سواران پارتی پیاپی تیراندازی می کردند؛ حتی هنگامی که در حال جنگ و گریز، از دشمن دور می شدند. کراسوس دستور مقاومت داد؛ گمان می کرد به زودی ترکش سواران ایرانی از تیر خالی خواهد شد و آن گاه، می توان با مغلوبه کردن جنگ و هجوم سراسری، کار آنها را ساخت؛ اما تصور کراسوس تنها یک خیال خام بود. ایرانیان هزاران ترکش پر از تیر را بر شتران بار کرده و به حران آورده بودند. به سرعت جناح راست سپاه روم، به فرماندهی «مگاباکوس»، فریب حیله جنگی ایرانیان را خورد و در پی تعقیب سواران پارتی برآمد. نتیجه این اشتباه، جبران ناپذیر بود. به ناگاه سواران سنگین اسلحه ایرانی از بیشه بیرون آمدند و «مگاباکوس» و سربازانش را از دم تیغ گذراندند. حمله آنها چنان برق آسا بود که سواران زبده «گالی» که کراسوس به مهارت و قدرتشان می نازید، در چشم برهم زدنی پراکنده شدند و باقی مانده آنها نیز در خون خود غلتیدند. با تار و مار شدن جناح راست، سپاه روم از هم پاشید و این، پایان کار «کراسوس» رومی و افتخاری دیگر برای مدافعان ایران زمین بود.

■ دفاع از خلیج همیشه فارس

از زمانی که، به دلیل ضعف حکومت مرکزی، جزیره هرمز توسط دالمیدای پرتغالی اشغال شده بود، بیش از صد سال می گذشت. ظلم و ستم بیش از حد پرتغالی ها و شکایت ها و دادخواهی های پی در پی مردم جنوب، شاه عباس صفوی را واداشت امامقلی خان، والی فارس را، برای اخراج پرتغالی ها و آزادسازی مناطق اشغال شده، به جنوب کشور بفرستد. با حرکت امامقلی خان به سمت گمبرون و جاسک، مردم غیور منطقه نیز به سپاه ایران پیوستند. ارتش ایران، در اسفندماه سال ۱۰۰۰ هـ.ش با پنج هزار سپاهی وارد گمبرون شد. امامقلی خان پس از چند روز توقف در گمبرون (بندر عباس امروزی)، سپاه را به دو قسمت تقسیم و یک قسمت را مأمور آزادسازی قشم کرد. سلحشوران ایرانی با استفاده از تاریکی شب، از دریا عبور کردند و به سرعت خود را به جزیره قشم رساندند. در سحرگاه روز بعد، شیپور جنگ نواخته شد. سربازان دلاور ایران با حمله ای برق آسا، قلعه نظامی پرتغالی ها را فتح کردند. سرعت عمل شگفت انگیز آنها، توان هرگونه مقاومت را از اشغالگران گرفت. پانصد اشغالگر به اسارت سپاه ایران درآمدند و بقایای نیروهای آنها، با کشتی به جزیره هرمز گریختند. اواخر اسفندماه سال ۱۰۰۰ (هـ.ش)، سپاه ایران، فاصله میان قشم و هرمز را پیمود و جزیره را محاصره کرد. این محاصره بیش از یک ماه طول کشید. با وجود پیاده شدن مدافعان ایرانی در جزیره، پرتغالی ها، از درون قلعه مستحکمشان، به شدت مقاومت می کردند. اوایل اردیبهشت ماه سال ۱۰۰۱، نیروهای کمکی به سپاه ایران پیوستند. با طلوع آفتاب روز دهم اردیبهشت همان سال، صدای غرش توپ های ارتش ایران، قلعه پرتغالی ها را به لرزه درآورد و دیوارهای قلعه را بر سر اشغالگران خراب کرد. غریو مردانه سپاه ایران در سراسر جزیره هرمز پیچید. ساعتی بعد اجساد اشغالگران، همه جای جزیره مشاهده می شد و «سیمون دومیلا»، فرمانده خودپسند پرتغالی، در برابر امامقلی خان و مدافعان سلحشور ایران، زانو زده بود.

■ پایداری و پیروزی در «اچمیازین»

عباس میرزا به شدت آشفته بود. خبر تسلیم ذلت بار «محمدخان قاجار»، حاکم ایروان، در برابر نیروهای تزار، او را خشمگین کرده بود. سپاه ایران به سرعت آماده حرکت به سمت ایروان شد؛ مقصد نخست، منطقه «اچمیازین» بود. «سیسیانف»، سردار روس که نگاهی تحقیرآمیز به ارتش ایران داشت، صدها عراده توپ را در خط دفاعی خود مستقر کرده بود. با رسیدن سپاهیان ایران، گلوله باران آغاز شد. «سیسیانف» گمان می کرد که صدای غرش توپ های «بُرد بلند» و مُدرن ارتش تزار، ایرانیان را زمین گیر می کند، اما سربازان دلاور ایرانی، بی خوف و هراس، به سمت دشمن می تاختند. گلوله باران، سه روز ادامه پیدا کرد. اما در روحیه ایرانیان خللی به وجود نیامد. با رشادت فرزندان ایران زمین، چند خط دفاعی روس ها سقوط کرد. «سیسیانف» که دیگر تاب مقاومت در برابر ایرانیان را نداشت، تصمیم

> یکی از مدافعان به ستوان یکم امیری نزدیک شد و از او خواست تا همراه با آنها، برای دفاع بهتر به سمت خرمشهر برود، اما او پاسخ داد: شما بروید و راه دشمن را ببندید؛ ایران کشور بزرگی است، اما برای امیری جایی برای عقب نشینی وجود ندارد

به عقب نشینی گرفت. این بار، باران گلوله مدافعان ایران بود که بر سر متجاوزان می بارید. به فرمان عباس میرزا، نیروهای خط شکن به سوی دشمن تاختند. غریو سربازان ایران، دشت «اچمیازین» را می لرزاند. «سیسیانف» به همراه تعدادی از افسران روس، به زحمت از مهلکه گریخت. ایرانیان به تعقیب دشمن پرداختند و تا نزدیکی باکو پیش رفتند؛ اما افسوس که در پشت جبهه، کارشکنی ها و خیانت شاه و اطرافیانش، باعث شد تدارکات به ارتش ایران نرسد و پیروزی هایی که در پرتو رشادت سربازان ایرانی رقم خورده بود، تداوم نیابد.

■ جایی برای عقب نشینی نیست

دشمن به نزدیکی خرمشهر رسیده بود. برای بعثی ها، که از شرایط و امکانات مدافعان ایرانی آگاه بودند، اشغال شهر ساده به نظر می رسید، اما در شهر غوغایی برپا بود. جوانان غیرتمند ایرانی خود را برای دفاع جانانه دیگری آماده می کردند. «محمد جهان آرا» و سرهنگ «شریف النسب» مدافعان اندک شهر را سازماندهی کردند. شهر زیر آتش توپخانه و موشک های کوتاه بُرد دشمن قرار داشت. با این حال مقاومت مدافعان حیرت انگیز بود. سه روز از هجوم دشمن می گذشت و بعثی ها هنوز نتوانسته بودند به دیوارهای شهر نزدیک شوند. با این حال حلقه محاصره هر لحظه تنگ تر می شد. نیروهای مدافع تقاضای پشتیبانی هوایی و آتش توپخانه داشتند، اما خبری از کمک نبود. دشمن قصد داشت به هر شکل ممکن، خود را به پادگان «دژ» برساند، اما با دفاع جانانه افسران و سربازان این پادگان روبه رو شد. آنها با نیروهای اندکشان، راه را بر چند تیپ زرهی و مجهز دشمن بسته بودند. در جاده منتهی به پلیس راه خرمشهر، مقاومت استوار قاسم خسروی و همرزمان معدودش، سدی محکم در برابر عبور نیروهای بعثی ایجاد کرده بود. آنها، در حالی که تنها به اسلحه سبک مجهز بودند، هفت روز مقاومت کردند و در نهایت همگی به شهادت رسیدند. نیروهای مردمی و سپاه، برای حمایت از رزمندگان ارتشی، خود را به پادگان رساندند، اما دیگر دیر شده بود. آتش سنگین دشمن بر سر مدافعان خرمشهر می بارید. چاره ای جز تخلیه پادگان نبود. یکی از مدافعان به ستوان یکم امیری نزدیک شد و از او خواست تا همراه با آنها، برای دفاع بهتر به سمت شهر برود، اما او پاسخ داد: شما بروید و راه دشمن را ببندید؛ ایران کشور بزرگی است، اما برای امیری جایی برای عقب نشینی وجود ندارد. خون سرخ مدافعان، همه جا را رنگین کرده بود. نیروهای بعثی که درصدد اشغال یک روزه خرمشهر بودند، یازده روز پس از آغاز درگیری، توانستند خود را به پشت دیوارهای شهر برسانند. دشمن شهر را دور زده بود. با این حال، ورود به خرمشهر غیرممکن به نظر می رسید. مدافعان شهر به کابوس دشمن متجاوز تبدیل شده بودند. این، جاودانه ترین دفاع تاریخ ایران زمین بود.

گزارش تاریخی

فردوست؛ بازیگر مرموز عصر پهلوی

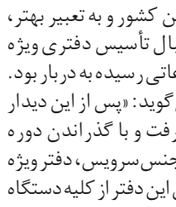

در میان بازیگران سیاسی و اجرایی دوره پهلوی دوم، ارتشبد حسین فردوست (۱۳۶۶-۱۲۹۶ هـ.ش) دارای جایگاه و وزن خاصی است. فردوست در کنار اسدا... علم، از معدود چهره های مورد وثوق و طرف مشورت محمدرضا پهلوی محسوب می شد، امّا برخلاف علم که پیمانه عمرش پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به سر آمد، زوال و فروپاشی رژیم پهلوی و استقرار نظام جمهوری اسلامی را نیز به چشم دید. فردوست پس از سقوط رژیم، از ایران خارج نشد. او در همین دوران با نگارش خاطرات و نظرات خود درباره شخصیت ها، ساختار سیاسی دوره پهلوی و همچنین ویژگی های شخصیتی شاه، منبعی قابل توجه برای شناخت دوران ۳۴ ساله پهلوی دوم فراهم آورد. نوشته هایی که بعدها با عنوان «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» منتشر شد. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، فردوست به عنوان مهره مورد اعتماد شاه در چندرکن امنیتی و نظارتی ساختار حکومتی رژیم پهلوی، حضوری پررنگ داشت. این مسئولیت ها، به ویژه از دهه ۱۳۴۰ به این سو شکل گیری نهادهای جدید در این حوزه، بیشتر شد؛ رئیس دفتر ویژه اطلاعات (از سال ۱۳۳۸)، قائم مقام ساواک (۱۳۵۷-۱۳۵۰)، تأسیس و نظارت بر لشکر گارد، دبیری شورای امنیت ملی، عضویت در کمیسیون قیمت های پایه در اوایل دهه ۱۳۵۰ و سرانجام، ریاست سازمان بازرسی شاهنشاهی (۱۳۵۷-۱۳۵۱) از مهم ترین مناصب فردوست در این دوران محسوب می شود.

■ دفتر ویژه اطلاعات؛ سوغات انگلیسی شاه برای فردوست

شاه پس از سفر خود به انگلستان در سال ۱۳۳۸ (هـ.ش) و با الگوگیری از نظام اداری این کشور و به تعبیر بهتر، با توصیه ملکه انگلستان، به دنبال تأسیس دفتری ویژه برای بررسی گزارش های اطلاعاتی رسیده به دربار بود. «احسان نراقی» در این باره می گوید: «پس از این دیدار بود که فردوست به انگلستان رفت و با گذراندن دوره آموزشی ۴ ماهه، زیر نظر اینتلیجنس سرویس، دفتر ویژه اطلاعات را ایجاد کرد. با تأسیس این دفتر از کلیه دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی، مثل رکن ۲ و همه ادارات، شاید در هفته تعداد ۲۰ گزارش می رسید. فردوست این گزارش ها را خلاصه می کرد و پس از نتیجه گیری برای شاه می فرستاد.» این دفتر به عنوان تشکیلاتی مستقل از سیستم اداری کشور، ۵ شعبه مختلف داشت و ریاست فردوست بر آن، حدود ۲۰ سال و تا پایان سلطنت پهلوی ادامه داشت. او در این سمت، تنها به شاه پاسخگو بود و مرجع دیگری بر کارش نظارت نداشت.

■ نظارتی که کارآمد نبود

فرمان تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی در مهر ماه سال ۱۳۳۷ از سوی شاه صادر شد. «سپهبد مرتضی یزدان پناه» از نظامیان قدیمی و فرمانده نیروهای پیاده نظام در کودتای ۱۲۹۹ هـ.ش، نخستین رئیس این سازمان بود. در سال ۱۳۵۱ هـ.ش، با مرگ ناگهانی او در ۷۸ سالگی، شاه ریاست سازمان بازرسی را به «حسین فردوست» واگذار کرد. رئیس این سازمان می توانست کارمندان دولت را تا رده فرمانداران، بدون پرسش از وزیر برکنار کند. با این حال، ریاست او بر این سازمان، کارآمد نبود؛ چرا که اصولا هدف از تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی، پیگیری منافع دربار و حذف رقبای اقتصادی آن بود و نه کنترل و بهبود شرایط عمومی کشور و مبارزه با فساد.

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضمائم
کلاسه پرونده:۹۶۰۰۲۸ وقت رسیدگی : ۱۳۹۶/۰۲/۳۰ ساعت ۹ صبح
خواهان: زهره تاجی فرزند غلامرضا خوانده : سیدمحمود الفاطمی فرزند کاظم
خواسته : طلاق
خواهان: دادخواستی تسلیم دادگاه های عمومی نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۳۹ ارجاع گردیده و وقت رسیدگی تعیین شده به علت مجهول المکان بودن خوانده به درخواست خواهان و دستور دادگاه و به تجویز ماده ۷۳ ق آ دم مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار اگهی می شود تا خوانده از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف یک ماه به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت نماید و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حضور به هم رساند چنانچه بعدا ابلاغی به وسیله آگهی لازم شود فقط یک نوبت منتشر و مدت آن ده روز خواهد بود.
م الف ۲۹۰۳
مدیر دفتر شعبه ۳۹ دادگاه عمومی مشهد- عبدالهی
م/۹۶۰۱۱۲۱۳

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۵۰۶
پیرو آگهی های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه خانم منیره شال باف یزدی که مجهول المکان می باشد ابلاغ می گردد چون وقتی دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۷۵۰۹۰۰۰۹۵۷ صادره از شعبه ۲۵۱ در پرونده شماره ۹۵۰۵۰۶ محکوم به پرداخت مبلغ ۳۹/۲۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۱۵۶/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی به انضمام حق الوکاله وکیل طبق تعرفه در حق محکوم له آقای مرتضی کاشانی و نیم عشر دولتی شده اید ظرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر اینصورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. م الف ۳۷۴۶
منشی شعبه ۲۵۱ شورای حل اختلاف مجتمع میرزا کوچک خان شهرستان مشهد- هوشمند
م/۹۶۰۱۴۲۹۹

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۶۹۵
پیرو آگهی های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه آقای امیرحسین سالارکریمی که مجهول المکان می باشد ابلاغ می گردد چون وقتی دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۷۵۰۹۳۰۱۰۲۳صادره از شعبه ۲۵۴در پرونده شماره ۹۵۰۶۹۵/۲۵۴ محکوم به پرداخت مبلغ ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ جهت حق الدرج آگهی در حق محکوم له آقای مهران انصاری و نیم عشر دولتی شده اید ظرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر اینصورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. م الف ۳۷۴۰
مسئول دفتر شعبه ۲۵۴شورای حل اختلاف مجتمع شماره پنج شهرستان مشهد، زهره شجاعی
م/۹۶۰۱۴۳۵۰

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۸۳۹
بدینوسیله پیرو آگهی های قبلی به آقای محمود زنگنه اسدآبادی فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد دادخواست آقای فرزان معصوم شاهی علیه شما بخواسته تنظیم سند خودرو به موجب حکم شماره ۹۵۰۹۹۷۷۵۱۶۳۰۱۱۵۵ در پرونده کلاسه ۹۵۰۸۳۹/۲۶۴ حکم بر محکومیت خوانده آقای محمود زنگنه اسدآبادی به حضور در دفترخانه و اسناد رسمی و انتقال سند اتومبیل به شماره انتظامی قدیم ۱۵۵ و ۲۵ ایران ۴۲ و پلاک جدید شماره ۳۵۶ ب ۵۱ ایران ۱۲ به نام خواهان و پرداخت هزینه دادرسی مبلغ هشتاد و نه هزار و پانصد تومان در حق خواهان محکوم شده اید مراتب بدینوسیله در روزنامه درج می گردد رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی واخواهی در این شورا است. م الف ۳۷۲۷
متصدی امور دفتری شعبه ۲۶۴ شورای حل اختلاف مجتمع شماره پنج شهرستان مشهد- قابل
مشهد- طلاب میدان میرزا کوچک خان
م/۹۶۰۱۴۲۳۹

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۹۳۱
پیرو آگهی های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه آقای علی جعفریان که مجهول المکان می باشد ابلاغ می گردد چون وقتی دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۷۵۱۶۵۰۱۴۳۲ صادره از شعبه ۲۶۶ در پرونده شماره ۹۵۰۹۳۱ محکوم به پرداخت مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و خسارت وارده به سبب تاخیر تادیه از تاریخ صدور چک ۱۳۸۶/۰۸/۲۳ الی یوم الادا و نیز پرداخت مبلغ ۶۳۸/۰۰۰ تومان بابت خسارت وارده به سبب هزینه دادرسی در حق محکوم له آقای امیر بیوه زنی مقدم و نیز پرداخت نیم عشر دولتی شده اید ظرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر اینصورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. م الف ۳۷۲۸
منشی شعبه ۲۶۶ شورای حل اختلاف مجتمع شماره پنج شهرستان مشهد
م/۹۶۰۱۴۲۱۶

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۷۶۱
پیرو آگهی های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه خانم فاطمه نظافت که مجهول المکان می باشد ابلاغ می گردد چون وقتی دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۷۵۰۸۶۰۱۰۷۱ صادره از شعبه ۲۵۰ در پرونده شماره ۹۵۰۷۶۱ محکوم به پرداخت مبلغ شصت میلیون ریال بابت اصل خواسته یک فقره سفته به شماره ۷۰۹۴۳۰ و هزینه دادرسی به مبلغ ۱/۹۰۰/۰۰۰ ریال در حق خواهان و پرداخت نیم عشر دولتی در حق محکوم له آقای حسن خوش ثنا شده اید ظرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر اینصورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. م الف ۳۷۴۵
شعبه ۲۵۰شورای حل اختلاف مجتمع شماره پنج شهرستان مشهد
م/۹۶۰۱۴۳۱۷

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۹۹۷
بدینوسیله پیرو آگهی های قبلی به آقای قربان مختاری فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد دادخواست آقای رضا محمدی علیه شما بخواسته مطالبه وجه به موجب حکم شماره ۹۵۰۹۹۷۷۵۰۸۸۰۱۷۰۶ در پرونده کلاسه ۹۵۰۸۹۹۷ صادره از شعبه ۲۵۰ در پرونده شماره ۹۵۰۷۶۱/۴۱ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۶۵۹/۷۵۰ ریال بابت خسارت وارده به سبب هزینه دادرسی و درج آگهی و همچنین خسارت تاخیر تادیه از تاریخ چک ۹۶/۶/۱۵ تا ۹۳/۷/۱۵ و ۹۳/۸/۱۵ تا یوم الاداء و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی و پرداخت مبلغ ۳۱/۶۸۰/۶۵۸ ریال در حق خواهان آقای رضا محمدی محکوم شده اید مراتب بدینوسیله در روزنامه درج می گردد رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی واخواهی در این شورا است. م الف ۳۷۳۰
منشی شعبه ۲۴۹ مجتمع ۵ شورای حل اختلاف شهرستان مشهد- مرضیه رباط جزی
م/۹۶۰۱۴۳۸۹

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۶۸۹
پیرو آگهی های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه خانم لیلی رحیمی دوم روباه و محمود رحیمی دوم روباه که مجهول المکان می باشند ابلاغ می گردد چون وقتی دادنامه شماره ۹۵۰۶۸۹ متضامنا محکوم به پرداخت مبلغ ۲۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اقساط واریزی به سازمان فروش اموال تملیکی تا تاریخ ۹۵/۰۸/۱۵ و مبلغ ۱۹/۵۰۰/۰۰۰ ریال بابت خسارت تاخیر در پرداخت طبق فیش های استنادی و پرداخت ۶۱۵/۰۰۰ ریال بابت هزینه تمبر دادرسی و مبلغ ۴۵۰/۰۰۰ ریال بابت حق الدرج آگهی روزنامه در حق محکوم له آقای موسی صداقت نیا و نیم عشر دولتی شده اید ظرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر اینصورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود.
م الف ۳۷۴۲
منشی شعبه ۲۴۷ شورای حل اختلاف مجتمع شماره پنج شهرستان مشهد، مرضیه دانشی نژاد
م/۹۶۰۱۴۳۳۸

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۶۷۲
پیرو آگهی های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه خانم عزت مرادی که مجهول المکان می باشد ابلاغ می گردد چون وقتی دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۷۵۰۸۸۰۱۱۸۷ صادره از شعبه ۲۴۹ در پرونده شماره ۹۵۰۶۷۲ محکوم به فسخ اجاره نامه موضوع خواسته و تخلیه مورد اجاره و پرداخت مبلغ ۱۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اجور معوقه از تاریخ ۹۴/۱۲/۲۵ لغایت ۹۵/۷/۵ و همچنین پرداخت مبلغ ۳/۲۲۵/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکلا طبق تعرفه قانونی و پرداخت مبلغ ۳۱/۶۸۰/۶۵۸ ریال در حق خواهان مرتضی اماموردی و نیم عشر دولتی شده اید ظرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر این صورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. م الف ۳۷۴۱
منشی شعبه ۲۴۹ مجتمع ۵ شورای حل اختلاف شهرستان مشهد- مرضیه رباط جزی
م/۹۶۰۱۴۳۸۹

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۷۸۵
پیرو آگهی های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه آقای غلامرضا مسافر که مجهول المکان می باشد ابلاغ می گردد چون وقتی دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۷۵۱۶۱۰۱۱۱۸ صادره از شعبه ۲۶۲ در پرونده شماره ۹۵۰۷۸۵ حکم بر محکومیت خوانده (غلامرضا مسافر) به پرداخت مبلغ ۱۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و جبران (پرداخت) خسارت وارده به سبب تاخیر در تادیه از تاریخ صدور چک ۱۳۹۵/۸/۲۵ الی یوم الاداء و نیز پرداخت مبلغ ۱/۲۷۰/۰۰۰ ریال بابت خسارت وارده به سبب هزینه دادرسی و مبلغ ۴۵۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه درج آگهی روزنامه در حق خواهان (محمد محسنی) صادر و نیم عشر دولتی شده اید ظرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیر اینصورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. م الف ۳۷۴۴
مسئول دفتر شعبه ۲۶۲ شورای حل اختلاف مجتمع شماره پنج شهرستان مشهد
م/۹۶۰۱۴۳۲۸

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۹۴۵
بدینوسیله پیرو آگهی های قبلی به آقای علی اصغر شیرافکن فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد دادخواست آقای مهدی عرفانیان امیری علیه شما بخواسته مطالبه وجه سفته به موجب حکم شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۰۹۶۰۰۰۰۱۳ در پرونده کلاسه ۹۵۰۹۴۵ محکوم به پرداخت مبلغ ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ صد و نود هزار تومان بابت خسارت وارده به سبب دادرسی و درج آگهی روزنامه در حق خواهان شده اید مراتب بدینوسیله در روزنامه درج می گردد رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی واخواهی در این شورا است. م الف ۳۷۳۳
متصدی امور دفتری شعبه ۲۵